

## **Strategies for empowering judicial criminal policy in the crime of aggressive possession**

Ahmad rezaii panah, eisa bani naime, amir alboali

Date Received : 2024/2/17

Date Accepted : 2024/5/9

### **Abstract :**

Aggressive possession is supported by the legislator not only as a legal case but also as a crime, and this indicates its importance and its place in maintaining public order. Article ۶۹۰ of the Islamic Penal Code of Punishment is the only criminal provision in the legislative process of this offense, which has many defects in its content, which has faced problems in dealing with this crime, which requires the use of a single criminal policy as a part of policy making. The public of the country can respond appropriately to similar criminal phenomena, and in the meantime, judicial criminal policy as a manifestation of the measures and policies that the judiciary - especially the judges - apply in line with the implementation of the law and in the course of it more than other types. Criminal policy has an appearance. These policies include the type of attitude of judges towards legislative criminal policy, which emerges and manifests in the form of judicial decisions and opinions according to the type of resources and facilities of the judicial system and with regard to the administrative aspects governing the criminal justice system. These policies include the type of attitude of judges towards legislative criminal policy, which emerges and manifests in the form of judicial decisions and opinions according to the type of resources and facilities of the judicial system and with regard to the administrative aspects governing the criminal justice system.

**Keywords: Strategy, criminal policy, aggressive occupation**



## راهبردهای توانمندسازی سیاست جنایی قضایی در جرم تصرف عدوانی

احمد رضایی پناه ، عیسی بنی نعیمه ، امیر البوعلی

تاریخ پذیرش : ۱۴۰۳/۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸

چکیده:

تصرف عدوانی نه تنها به عنوان یک دعوی حقوقی بلکه در جایگاه یک جرم مورد حمایت قانون گذار قرار گرفته و این امر حکایت از اهمیت آن و جایگاه آن در حفظ نظم عمومی دارد. ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی تعزیرات به عنوان تنها مقررہ کیفری در فرآیند تقنینی این بزه وجود دارد که نقص بسیار در محتوای آن مسیر رسیدگی به این جرم را با مشکلاتی مواجه نموده است که نیازمند بهره گیری از یک سیاست جنایی واحد به عنوان بخشی از سیاست گذاری عمومی کشور می تواند پاسخگوی مناسبی به پدیده های مجرمانه مشابه باشد، و در این بین، سیاست جنایی قضایی به عنوان تجلی تدابیر و سیاست های که قوه قضائیه - به ویژه قضات دادگستری- در راستای اجرای قانون و در جریان آن اعمال می کنند پیش از گونه های دیگر سیاست جنایی، نمود دارد. این سیاست ها شامل نوع نگرش قضات به سیاست جنایی تقنینی که با توجه به نوع منابع و امکانات دستگاه قضایی و با لحاظ جنبه های مدیریتی حاکم بر نظام عدالت کیفری در قالب تصمیمات و آرای قضایی ظهور و بروز می یابد. این سیاست ها شامل نوع نگرش قضات به سیاست جنایی تقنینی که با توجه به نوع منابع و امکانات دستگاه قضایی و با لحاظ جنبه های مدیریتی حاکم بر نظام عدالت کیفری در قالب تصمیمات و آرای قضایی ظهور و بروز می یابد.

واژگان کلیدی: راهبرد، سیاست جنایی، تصرف عدوانی

در برخی کشورها اقدامات انجام شده بر روی زمین دارای ارزش می‌باشد و حال اینکه در ایران مالکیت بر زمین نیز دارای ارزش بوده و سرمایه شناخته می‌شود، ضمن اینکه افزایش ارزش زمین در نتیجه دگرگونی‌های اقتصادی، دسترسی به این سرمایه‌ی ارزشمند را در میان ایرانیان دوچندان کرده است که در در نتیجه آن بروز مخاصمات و درگیری‌ها در جامعه پدید آمده است. ارتکاب جرایم مرتبط با تصرف اراضی اعم از خصوصی و دولتی از مهم‌ترین این ناهنجاری‌ها به شمار می‌آیند که مستلزم اتخاذ سیاست‌های متناسب برای پاسخ‌گویی به آن می‌باشد. این تصرفات تبعات منفی بسیار در حوزه‌های مختلف اقتصادی، کشاورزی، زیست محیطی و مسکن را به دنبال خواهد داشت، چه اینکه این تصرفات غیرمجاز در اراضی دولتی موجب هدر رفت ثروت‌های عمومی خواهد شد و از این جهت لزوم توجه سیاست‌گذاران دولتی را می‌طلبد.

ارزش‌های اقتصادی زمین در ایران و فقدان ساختارهای حفاظتی از اراضی موجب شده است تا سودجویان با بهره‌گیری از تمام ظرفیت و شیوه‌های مجرمانه مبادرت به تصرف اراضی نمایند، اگرچه قانون‌گذار از گذشته تا کنون به دنبال ایجاد محدودیت در اقدامات مشابه بوده است و جرم‌انگاری جرایم سه‌گانه تصرف عدوانی و مزاحمت و ممانعت از حق از این دست تلقی می‌شود ولیکن ضرورت پیشگیری و مقابله با این پدیده مجرمانه جهت به حداقل رساندن ارتکاب آن با لحاظ علل و عوامل متعددی که موجب وقوع این جرایم می‌گردد ایجاب می‌نماید که سیاست‌های جامعی در این خصوص اتخاذ گردد. در این راستا بهره‌گیری از سیاست‌گذاری جنایی که به عنوان بخشی از سیاست‌گذاری عمومی کشور می‌تواند پاسخگوی مناسبی به پدیده‌های مجرمانه مشابه باشد.

در پژوهش‌هایی که در خصوص سیاست جنایی پدیده‌های مجرمانه انجام شده است، عمدتاً به توصیف و آسیب‌شناسی این سیاست‌ها پرداخت شده است و تحلیل مناسبی از شیوه‌های پاسخ‌دهی مؤثر نسبت به پدیده‌های مجرمانه صورت نگرفته است و حال آنکه سیاست جنایی می‌بایست توأم با سیاست‌گذاری باشد تا بتوان با استفاده از یافته‌های ناشی از مطالعات و آسیب‌شناسی‌های انجام شده، راهبردها و برنامه‌های پیشنهادی را ارائه نمود. الگوی مدنظر این پژوهش مبتنی بر راهکارهای مدیریتی و عملی بوده که به صورت پویا و هدفمند اجزای مختلف را جهت اتخاذ سیاست جنایی قضایی بهینه، ترسیم و اجزای آن را تبیین می‌کند. در واقع در این مقاله پس از مفهوم‌شناسی و بررسی ارکان جرم تصرف عدوانی و با مذاقه در مفهوم گونه‌های مختلف سیاست جنایی و با تأکید بر آسیب‌شناسی پاسخ‌های فعلی در قبال این جرم سعی در اتخاذ سیاست‌ها، راهبردها و اقدامات لازم جهت مدیریت جامعه در پاسخ‌گویی به این پدیده‌های مجرمانه خواهد شد.

ارکان بزه تصرف عدوانی .

علی رغم اهمیت جرم تصرف عدوانی ولی در هیچ‌یک از قوانین جزایی تعریف مشخصی از جرم تصرف عدوانی به عمل نیامده است، به گونه ای که این امر موجب تشتت در آرای قضایی و برداشت های متفاوت و بعضا متناقض از این جرم شده است، قانون گذار در ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی از مطلق اموال (اعم از خصوصی و عمومی) حمایت نموده و از طرف دیگر به انواع صحنه سازی ها مانند پی کنی و مرزبندی اشاره دارد و با استفاده از لفظ «متعلق» در مقام بیان مالکیت یا تصرف متزلزل عمل نموده است، بنابراین جهت تعریف ناگزیر به تبیین ارکان این جرم می باشیم

۱-۱. ارکان عمومی تشکیل دهنده بزه تصرف عدوانی

قوانین و مقررات پیرامون تصرف عدوانی جهت ایجاد نظم عمومی و حمایت از متصرف و مالک وضع گردیده است و هرگونه اخلال در خصوص تصرف و مالکیت اشخاص مورد عکس العمل قانون گذار قرار گرفته است و این واکنش قانونی متناسب با کیفیت تجاوزی که صورت می گیرد متفاوت می باشد. برای اینکه عملی جرم تلقی شود و قابل مجازات باشد نیازمند عناصری می باشد که وجود آن در کلیه جرایم ضروری می باشد و جنبه عمومی دارد و در این میان ارکان و شرایط اختصاصی نیز وجود دارد که پیرامون هر جرم خاص معنا می یابد. اولین رکن از ارکان عمومی جرم انگاری این است که قانون عملی را جرم دانسته و قابل مجازات بداند و این موضوع تحت عنوان عنصر قانونی مطرح می باشد و مورد بعدی عمل مذکور (اعم از فعل یا ترک فعل) تحت شرایط ویژه و مشخصی فعلیت پیدا کند (عنصر مادی) و در پایان قصد مجرمانه یا تقصیر جزایی می باشد که تحت عنوان عنصر روانی مورد بررسی قرار می گیرد

۱-۱-۱. عنصر قانونی

با ممنوع ساختن فعل یا ترک فعلی در قالب بیان قانونی، عناوین مجرمانه ایجاد و برای آن مجازات در نظر گرفته می شود، با این وصف هر چند تصرف عدوانی موضوع مواد ۱۵۸ تا ۱۷۷ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۷۹ نیز می باشد لیکن با توجه به تفاوت های اساسی بین مواد مذکور با ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی و اینکه بحث حاضر، ماهیتی کیفری دارد و تصرف عدوانی موضوع قانون آیین دادرسی مدنی دارای ماهیتی حقوقی است، فلذا عنصر قانونی جرم تصرف عدوانی، ماده ذکر شده و مواد دیگری از جمله مواد ۶۹۳، ۶۹۲، ۶۹۱ می باشد که مواد مذکور دارای شرایط خاصی از جرم موضع ماده ۶۹۰ میباشند .

گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۰)، حقوق جزای اختصاصی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم.

طیرانیان، غلامرضا (۱۳۷۶)، دعاوی تصرف، تهران: گنج دانش.

رکن مادی جرم، جسم و پیکره ملموس جرم است که در پرتوی نیت و قصد متجلی می شود و تا زمانی که نیت و قصد در عالم خارج تحقق نیابد، عمل مجرمانه محقق نشده و در نتیجه قابل مجازات نمی باشد. در تحلیل رکن مادی یک جرم، اجزای رکن مادی، همچون رفتار مجرمانه و خصوصیات آن، وسیله مجرمانه، موضوع جرم، شخصیت طرفین جرم و نتیجه مجرمانه مورد بحث قرار می گیرد. برای اینکه جرمی محقق شود می بایست مراحل توسط بز هکار سپری شود به این شرح که نخست مجرم قصد ارتکاب جرم می کند و سپس با تهیه مقدمات شروع به اجرای آن می نماید و در نهایت نسبت به ارتکاب جرم اقدام می نماید و به این ترتیب عنصر مادی جرم محقق می گردد. جرم تصرف عدوانی، از جمله جرائمی می باشد که بصورت فعل مثبت خارجی، تجلی می یابد و ترک فعل نمیتواند عنصر مادی این بزه را تشکیل دهد. آنچه در ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی تعزیرات به عنوان فعل بیان شده است تصرف برای خود یا دیگری، تخریب و تجاوز، ایجاد مزاحمت و ممانعت از حق می باشد. بنابراین رکن مادی تسلط و استیلا بر مال می باشد که اثبات آن ضابطه خاصی ندارد و با تشخیص قاضی رسیدگی کننده ضمن استماع گواهی گواهان و انجام تحقیقات و معاینات محلی و حسب مورد قرار کارشناسی جهت صحت و سقم تجاوز مشتکی عنه اقدام می گردد. با توجه به فقدان ضابطه در این راستا در صورت وجود هرگونه عملیات مادی بر روی ملک، اصل بر استیلا شخص ملک می باشد مگر خلاف آن اثبات گردد مثلاً استیلا متصرف، بر ملکی که مورد اختلاف است، استیلائی مورد حمایت قانون، تلقی گردیده مگر اینکه مدعی، حمایت قانونی خود را از دست بدهد و نتواند عدوانی بودن استیلائی متصرف فعلی را ثابت کند یا اینکه متصرف فعلی اثبات نماید که تصرف عدوانی نبوده و با رضایت مالک یا متصرف سابق بوده است.

۱-۲-۱-۱. فعل مرتکب

عنصر مادی جرم تصرف عدوانی بصورت فعل مثبت مادی خارجی بوده که در ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی عبارت است از پی کنی، دیوارکشی، تغییر حد فاصل، امحاء مرز، کرت بندی، نهرکشی، حفر چاه، غرس اشجار و زراعت و امثال آن می باشد که این امر همچنان که توضیح داده شد و ممکن است بصورت مادی و محسوس عینی باشد. به عنوان مثال مجرم با جابجایی حد فاصل نسبت به تصرف مازاد بر زمین خود اقدام کند، در ادامه به تعریف مصادیق مطروحه در این مقرر قانونی پرداخته خواهد شد.

۱- پی کنی به معنای کندن زمین برای دیوار کشی و نظایر آن است

۲- مرز به معنای سرحد است و در اینجا به معنای کناره های بلند است و کرت زمین محدودی است که چهار طرف آن با خاک بالا آمده و در میان آن چیزی کاشته می باشد

- غرس به معنای درخت کاشتن و قلمه زدن و نهال نشانیدن است. درختی که برنشانده باشد.
- ۴- اراضی در آیش زراعی یعنی زمینهایی که برای تجدید نیروی باروری و قوت گرفتن یک یا چند سال بدون کشت رها شود.
- ۵- مرتع به اراضی گفته می شود که وسیع بوده و فاقد مستحذات است که علوفه به طور طبیعی در آن می روید.
- ۶- قلمستان زمینی است که درختان غیر مثمر به وسیله انسان در آن ایجاد شده باشد و در هر هکتار بیشتر از هزار درخت باشد.
- ۷- چشمه سار محلی است که آب به صورت طبیعی یا خود به خود از آن می جوشد. پارک ملی باغ وسیع پر درختی است که عموم مردم در آنجا به تفریح یا شکار و غیر می پردازند.
- ۸- اراضی موات زمینهایی است که مالک نداشته و آثار کشت و زرع و آبادی در آن نباشد.
- ۹- اراضی بایر زمینهایی است که در آن کشت و زرع و آبادی نباشد اما دارای مالک باشد و مالک برای مدت نامحدودی از آبادی آن چشم پوشیده باشد.
- ۱۰- محبوسات اموالی است که مالک عین آن را برای خود نگه داشته و منافع آن را برای مدت محدود یا نامحدود به اشخاص یا کارهای عام المنفعه اختصاص میدهد.
- ۱۱- اثلاث باقیه یا اثلاث مؤید اموال غیر منقولی است که موصی آنها را از محل ثلث ترکه برای مصرف معینی قرار دهد.
- ۱۲- عملکرد مثبت مادی خارجی مرتکب، در نظر قانون صحنه سازی تلقی شده است. صحنه سازی اصولاً به عملیاتی گفته میشود که به منظور دیگری صورت میگیرد یعنی خود، عملیات مورد نظر مرتکب نیست؛ بلکه میخواهد آنها نتیجه دیگری که همان اثبات مالکیت و ذبح بودن است را ثابت کند. تهیه آثار تصرف اعم از صحنه سازی است. تهیه آثار تصرف در املاک مذکور بوسیله صحنه سازی صورت می گیرد، تصرف شکلهای مختلفی، دارد اما همه شکلهای تصرف مشمول این ماده نیست بلکه تصرفی را در بر میگیرد که بوسیله صحنه سازی و تهیه آثار نیز صورتهای مختلفی دارد که مقنن در متن ماده به آنها اشاره کرده است. بنابراین تصرفات ساده مشمول مقرارت این ماده نخواهد بود.
- تجاوز عنوان دیگری است که به عنوان یکی از مصادیق فعل مجرمانه در این ماده بیان شده است. در واقع تجاوز عنوان عامی است که بسیار از عناوین دیگر را شامل می گردد فلذا بهتر آن است که اطلاق آن را با مصادیق دیگر مقید نماییم. با مذاقه در قوانین مرتبط در می یابیم که نوع وسیله در ارتکاب این بزه اهمیتی نداشته و صرفاً ارتکاب مسلحانه این بزه موجب تشدید مجازات می گردد به گونه ای که طبق ماده

لازرژ، کریستین (۱۳۸۲)، درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: میزان

۶۹۲ قانون اخیرالذکر «هر کس به قهر و غلبه داخل ملکی شود که در تصرف دیگری است اعم از آن که محصور باشد یا نباشد یا در ابتدای ورود به قهر و غلبه نبوده ولی بعد از اخطار متصرف به قهر و غلبه مانده باشد علاوه بر رفع تجاوز حسب مورد به یک تا شش ماده حبس محکوم میشود هر گاه مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لااقل یکی از آنها حامل سلاح باشد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد.

۱-۲-۲. موضوع جرم

با توجه به مصادیق مندرج در ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی تعزیرات که در فوق نیز توضیح داده شد، موضوع جرم تصرف عدوانی املاک و اراضی است، بنابراین زمین و ملکی باقی نمی ماند که از دایره شمول ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی، خارج باشد. یکی دیگر از عناصر تشکیل دهنده رکن مادی این جرم، تعلق مال به دیگری است که به عنوان موضوع جرم تصرف عدوانی مطرح می باشد.

آنچه از ظاهر این مقرر قانونی بر می آید حمایت کیفری قانون گذار از اموال غیر منقول می باشد و علت آن است که طبق قاعده اماره ید، تصرف در اموال منقول در حکم مالکیت بر آن است و این در حالی است که در اموال غیر منقول شخص متصرف ممکن است مالک نباشد و حال آنکه در اموال منقول، چنانچه فردی متصرف باشد اصل بر مالکیت آن است و خلاف آن می بایست اثبات گردد با این تفکیک بین دعاوی مالکیت و تصرف ایجاب می نموده تا اموال غیر منقول منحصراً موضوع جرم تصرف عدوانی باشد. در بین انواع غیر منقول، قطعاً اموال غیر منقول ذاتی مصداق کامل بزه تصرف عدوانی می باشد و در این راستا نیز قابل عرض است که چنانچه نمائات و منافع عینی ناشی از مال غیر منقول مورد تصرف قرار گیرد، مالک آن هم مالک مال غیر منقول می باشد. این در حالی است که پیرامون اموال غیر منقول تبعی از آن جهت که این اموال ذاتاً از نوع منقول بوده چنانچه از مال غیر منقول جدا نشوند و به عبارت دیگر وجود مجزا و مستقل پیدا نکنند، می توانند موضوع جرم تصرف عدوانی قرار بگیرند بنابراین در صورت تفکیک شدن از مال غیر منقول، به جهت منقول تلقی شدن این اموال نمی توانند موضوع جرم مذکور قرار

گیرند

عنصر روانی.

قانونگذار صرف رفتار مجرمانه بدون وجود قصد و آگاهی را واجد وصف جزایی ندانسته و لذا علم و اراده مرتکب توأم با تحقق عینی و خارجی رفتار مجرمانه منجر به تحقق اعتباری جرم می‌گردد. رکن معنوی در جرم تصرف عدوانی عبارت است از سوء نیت عام و آن این است که مرتکب با علم و اراده، مبادرت به ایجاد آثار تصرف نموده و سوء نیت خاص این است که ایجاد آثار تصرف بمنظور تملک ملک غیر یا ذیحق معرفی کردن خود یا دیگری که در صورت عدم حصول نتیجه فوق، جرم محقق نمی‌شود. بنابراین مواردی وجود دارد که مرتکب فاقد عنصر معنوی می‌باشد به عنوان مثال حالتی که فرد معتقد است در زمین خود متصرف است و یا در موارد اکراه و اجبار که خارج از اراده فرد، فرایند تصرف انجام می‌پذیرد. نکته مهم در تحقق این بزه، تصرف به منظر مالکیت است و لیکن مصادیقی وجود دارد که فرد برای مدت محدودی و به دلایل مختلف مثلاً عبور و مرور و یا استراحت و یا حتی تفریح در ملکی متصرف می‌شود. ولیکن قصدی جهت مالکیت ندارد.

عده ای دیگر در مقام تفسیر رکن روانی بزه تصرف عدوانی، صرف تصرف ملک دیگری بدون مجوز قانونی را برای تحقق این رکن کافی دانستند به این معنا که دیگر نیازی به احراز قصد تملک متصرف نمی‌باشد. در این راستا قابل ذکر است که یکی از موارد افتراق تصرف عدوانی مدنی از کیفری لزوم توجه به نیت سوء مرتکب و احراز آن توسط مقام قضائی رسیدگی کننده میباشد. اگر کسی به اشتباه مبادرت به ایجاد آثار تصرف در ملک غیر نماید اگر چه از نظر کیفری جرمی مرتکب نشده است و از دید مقام قضائی سوء نیت نداشته است لیکن حق پیگیری دعوای حقوقی برای مطالبه خسارات مربوطه وجود خواهد داشت، بنابراین جهت تحقق رکن روانی این جرم احراز عدوان و سوء نیت ضرورت دارد، با این توضیح که مرتکب جرم می‌بایست از نامشروع و من غیر حق بودن تصرفات خود آگاهی داشته باشد و در نتیجه این تصرف ضرری به فرد وارد شده باشد، چه اینکه چنانچه فرد متصرف به قصد اضرار نسبت به خروج مال از تصرف مالک، اقدام نماید عملاً مرتکب عملی مستوجب مجازات گردیده است. اما نتیجه بحث اینکه رکن معنوی تصرف عدوانی از سوء نیت عام و خاص تشکیل شده است و آن این است که مرتکب با علم و اراده به ایجاد آثار تصرف در ملک غیر بمنظور تملک یا ذیحق معرفی کردن خود یا دیگری مبادرت نماید و از این راه باعث تضرر به مالک یا متصرف قانونی ملک شود، لذا منظور از قصد تصرف در ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی، قصد تملک بوده و تحقق جرم، مقید به حصول نتیجه است و اگر اقدامات انجام گرفته به این نتیجه منجر نشده جرائم مذکور محقق نخواهد شد.

۱-۲. ارکان اختصاصی جرم تصرف عدوانی

در کنار ارکان عمومی تحقق یک جرم، شرایط اختصاصی نیز وجود دارد که جهت جرم‌انگاری بزه تصرف عدوانی موردنیاز است این موارد عبارتند از ۱. سبق تصرف مالکانه شاکی ۲. لحوق تصرف مشتکی عنه ۳. عدوانی بودن تصرفات مشتکی عنه ۱-۲-۱. سبق تصرف



واژه سبق در مقابل لحوق به کار میرود و به معنای سابق و گذشته می باشد، با این توضیح که استیلائی فرد بر مال دیگری می بایست به گونه ای مستمر باشد تا بر مبنای عرف بتوان آن را به عنوان سابقه تصرف تلقی کرد

از سوی دیگر با مذاقه در ماده ۱۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۷۹ و مواد یک و دو قانون جلوگیری از تصرف عدوانی مصوب ۱۳۵۲، شرط دیگری که برای تحقق تصرف عدوانی لازم است آن است که شاکی می بایست ملک را به صورت مستقیم و بدون واسطه در تصرف داشته باشد، بنابراین چنانچه فرد دیگری ملک را سابقا از تصرف شاکی خارج کرده باشد و مشتکی عنه آن را از ید متصرف لاحق خارج کرده باشد، رابطه مستقیم پیش گفته محقق نخواهد شد و عبارت «مال غیر منقول را از تصرف او خارج کرده...» تحقق نخواهد یافت

۱-۲-۱. مبدا سبق تصرف

نکته دیگری که مدنظر است مبدا سبق تصرف می باشد به این معنا که سبق تصرف در چه زمانی آغاز می گردد، در واقع زمانی که شخص بر ملک به صورت کامل استیلا یابد و این استیلا به صورت همه جانبه باشد به گونه ای که نسبت به تمام اجزای آن فعلیت یابد، سبق تصرف محقق گردیده است، بنابراین حتی اگر در قسمتی کوچک از ملک، استیلائی وجود نداشته باشد، نمی توان گفت نسبت به کل آن ملک سبق تصرف وجود داشته است بلکه برای استفاده از سبق تصرف باید بصورت محسوس و عینی بر تمامی اجزاء مال مذکور استیلا باشد، به عنوان مثال اگر فردی اقدام به ساخت یک انباری در چند هکتار زمین کشاورزی نماید، به صرف تصرف بر انباری و بدون اینکه تصرفی بر دیگر بخش های زمین داشته باشد، نمی توان گفت او دارای سبق تصرف نسبت به کل زمین است

۱-۲-۱. بازه زمانی تصرف

برای اینکه مشخص گردد چه مدت زمانی باید سپری شود تا شخص واجد سبق تصرف تلقی گردد، ملاک مشخصی در قانون تعیین نشده است و طبیعی است که این موضوع به عرف و آنگار می گردد، به عبارتی مقام قضایی با توجه به نوع ملک و انجام تحقیقات تکمیلی مانند معاینه و بازدید از محل و تحقیق از مطلعین و مجاورین و بررسی آثار تصرف موجود در محل می تواند سابقه تصرف را تشخیص دهد

مورد دیگری که در موضوع سبق تصرف، محل بحث است، لحاظ نمودن مدت تصرف ایادی ماقبل متصرف فعلی می باشد به عنوان مثال فردی اقدام به خرید ملکی می نماید و لیکن قبل از تصرف آن، شخص دیگری اقدام به تصرف آن می نماید در این فرض اگر بخواهیم مبدا تصرف شاکی را استیلائی بر ملک تلقی کنیم، اساسا تصرفی از سوی وی صورت نگرفته است و لیکن به نظر میرسد شاکی به عنوان قائم مقام ایادی ماقبل خود دارای کلیه حقوق ناشی از این ملک می باشد و می بایست زمان تصرف ایادی ماقبل را به عنوان سابقه تصرف شاکی در نظر بگیریم

استمرار در تصرف .

ویژگی مهمی که در تصرف باید وجود داشته باشد، استمرار در تصرف است به این معنا که استیلائی مفید سبق تصرف خواهد بود که بطور مستمر به ید متصرف لاحق، منتهی و ملحق شود. بنابراین خروج ملک از ید متصرف بر دو حالت استوار است: حالت اول اینکه تصرف لاحق بدون رضایت متصرف سابق است و حالت دوم اینکه متصرف لاحق با رضایت متصرف سابق اقدام به تصرف نماید، که در حالت نخست تصرف عدوانی محقق بوده و لیکن در حالت دوم چون متصرف به میل خود ملک را به تصرف دیگری داده است، پس بزه تصرف عدوانی موضوع ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی محقق نمی گردد.

حالت دیگری که وجود دارد، این است که فرد برای مدتی بر ملک تحت استیلائی خود تصرف فیزیکی ننماید و در این حین شخص دیگری اقدام به تصرف در ملک نماید، حال سوال آن است که آیا در این فرض تصرف عدوانی صورت گرفته است؟ پاسخ آن است که استیلائی متصرف سابق بر ملک در زمان تصرف متصرف لاحق، امری ضروری می باشد، که احراز آن مبتنی بر نظر قاضی رسیدگی کننده بوده که با اقدامات تحقیقی خود و البته با لحاظ عرف می تواند این استیلا را احراز کند، عده ای بر این نظر هستند که حتی با وجود عدم تصرف مادی و فیزیکی ولی کماکان ملک در تصرف اعتباری متصرف سابق است و عده ای نیز فقدان تصرف مادی را خدشه ای بر رکن سبق تصرف دانسته و موضوع را از شمول تصرف عدوانی خارج می دانند .

#### ۴-۱-۲-۱. آشکار و علنی بودن تصرف

با توجه به اینکه مبنای جرم انگاری بزه تصرف عدوانی حفظ نظم عمومی بوده لذا تصرفی مورد حمایت قانونگذار است که به صورت ملموس و عینی قابل رویت باشد، چه اینکه تصرف پنهان اساساً به نظم عمومی خللی وارد نمی کند مانند اینکه در شهرستان دزفول در زمان جنگ در قسمت زیرین منازل بخشی وجود داشته بنام شوادون (پایین تر از زیرزمین های فعلی) و به دلیل مسائل امنیتی از آن مکان استفاده شده است و پس از پایان جنگ و بازسازی برخی خانه ها این بخش از منازل حذف شده و اساساً دسترسی به آن وجود ندارد، حال بر فرض اینکه خانه ای که دارای شوادون بوده، از ملک خود راهی به شوادون منزل مجاور (که دیگر استفاده ای ندارند) ایجاد کند و در آن انباری درست کند و استفاده کند، به دلیل اینکه این تصرف دارای منشا عینی و ملموس نبوده و اساساً نظم عمومی و حفظ وضع موجود را به مخاطره نمی اندازد، نمی توان آن را مشمول تصرف عدوانی دانست.

#### ۵-۱-۲-۱. صریح بودن و مسالمت آمیز بودن تصرف

صریح بودن در تصرف به این معنا است که تصرف متصرف فعلی مبتنی بر رضایت صریح و آگاهانه متصرف سابق باشد، بنابراین چنانچه متصرف فعلی که به عنوان مشتکی عنه مطرح است ناشی از تقلب بوده و یا در نتیجه اشتباه متصرف سابق ایجاد شده باشد به گونه ای که این اشتباه ابراز شود و متصرف سابق عدم رضایت خود را بیان نماید، بزه تصرف عدوانی محقق خواهد شد، در کنار صریح بودن تصرف، مسالمت آمیز بودن آن نیز مدنظر است به این معنا که تصرف لاحق نباید در تقابل تصرف سابق باشد و منشا قهر و غلبه نداشته باشد.

نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۷۹)، «درآمدی به جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر» در: مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، تهران: نشر روزنامه رسمی

خصیصه علنی و آشکار بودن تصرف متفاوت از صراحت و عدم ابهام در تصرف است چرا که علنی بودن به استیلا در تصرف بر میگردد لیکن صریح بودن به رضایت متصرف سابق تسری می یابد. به عنوان مثال حالتی را در نظر بگیرید که احد از ورثه با اخذ وکالت از سایر ورثه اقدام به فروش ملک موروثی به خود و به قیمتی کمتر از بازار می نماید و به سایرین می گوید ارزش ملک به همین میزان می باشد و خود متصرف ملک می گردد، در این حالت حتی پس از سالها تصرف، از آنجا که تصرف این فرد ناشی از تقلب بوده نمی تواند، سبق تصرفی باشد که مورد حمایت قانون گذار است.

#### ۱-۲-۲-۱. لحوق تصرف مشتکی عنه

یکی از ارکان جرم تصرف عدوانی این است که مشتکی عنه با لحوق تصرف خود بر ملک مورد شکایت، آن را از تصرف متصرف سابق خارج کند و خود بر آن تسلط یابد، بنابراین چنانچه بنا باشد شکایتی مطرح گردد می بایست به ظرفیت متصرف لاحق باشد که تصرف او بر ملک مورد اختلاف فعلیت یافته باشد، فلذا اگر مشتکی عنه خود دارای سابقه تصرف باشد، موضوع از شمول تصرف عدوانی خارج است. نکته دیگری که در این راستا مطرح است، مدت زمان لحوق تصرف مشتکی عنه می باشد به این معنا که آیا هر زمان که شاکی به مرجع قضایی مراجعه نماید و متعرض تصرف متصرف گردد، مشمول حمایت قانونی می گردد؟ پاسخ این است که در قوانین جدید تحدید مواعد صورت نگرفته است و تقریباً تشخیص این موضوع به مقام قضایی واگذار شده تا بر مبنای عرف جامعه اقدام نماید. خاصیتی که تحدید مدت دارد این است که شاکی با تکلیف خود مواجه است و می داند در چه زمانی باید مراجعه نماید تا از حمایت قانونگذار استفاده کند و در عین حال و اگذاری موضوع به عرف باعث ایجاد تفاسیر متعدد شده است، به عنوان مثال متصرف سابق با مراجعه به مرجع قضایی، متعرض تصرف فردی می گردد که از لحوق تصرف او بیش از پنج سال گذشته و این امر نظم عمومی استقرار یافته در حوزه املاک را به مخاطره می اندازد. نکته ای که در این بحث وجود دارد این است که وضعیت سبق تصرف یا لحوق تصرف در ملکی که مشاعی است، مفروض می باشد یعنی اصل بر این است که شرکا بر زمین متصرف می باشند. حال اگر فردی خلاف این امر را ادعا نماید می بایست دلایل اثباتی خود را ارائه نماید.

#### ۱-۲-۲-۱. ویژگی های لحوق تصرف

#### ۱-۲-۲-۱-۱. خارج نمودن مال از تصرف متصرف قانونی

وقتی صحبت از لحوق تصرف می کنیم به این معنا است که متصرف لاحق، ملک را از استیلا و تصرف متصرف سابق خارج می کند، و خود به تهیه آثار تصرف به شرح مندرج در ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی تعزیرات اقدام می نماید، و لیکن تصرف بر ملک غیر مستلزم انجام برخی اقدامات می باشد که شامل داخل شدن در ملک و رصد موقعیت آن جهت ایجاد آثار تصرف است به عنوان مثال جهت کشت و زرع در زمین زراعی می بایست تعدادی کارگر گماشته شوند تا مقدمات کار را انجام دهند و بدهی است انجام این امور با سپری شدن زمان همراه می باشد، و نکته مهم در این موضوع آن است که تصرف متصرف لاحق باید به گونه ای باشد که مانع تصرف دیگری علی الخصوص تصرف سابق باشد حتی اگر تصرف لاحق محدود کننده متصرف سابق باشد موضوع داخل در سایر عناوین مرتبط از جمله مزاحمت می گردد، البته این مورد نباید با حالتی خلط گردد که اقدام فرد صرفاً ایجاد خسارت به متصرف سابق باشد مثلاً تحریق محصولات کشاورزی موجود در زمین زراعی که در این حالت باید با طرح دعای مطالبه خسارت پیگیری لازم انجام گردد.

استقرار تصرف لاحق .

آنچه در فوق پیرامون اخراج متصرف سابق از ملک و رفع استیلا و بیان شد زمانی می تواند حقوق تصرف را تکمیل کند که منجر به استیلا و استقرار متصرف لاحق بر ملک گردد، بنابراین اگر فرد به دنبال تصرف نباشد و صرفاً به جهت آسیب به متصرف سابق به دنبال ضربه زدن بر او یا محدود نمودن دامنه تصرفات او باشد، موضوع مشمول حقوق تصرف نمی باشد مانند حالتی که اساساً فرد به دنبال تصرف خود نباشد و صرفاً به دنبال جلوگیری از تصرف دیگری باشد مثلاً در محل، بلوک کاری کند تا امکان استفاده متصرف سابق را سلب نماید، در این فرض فرد می تواند با طرح شکایت صحیح مثلاً مزاحمت ملکی از حیث قضایی موضوع را پیگیری نماید. بنابراین برای احراز لاحق بودن تصرف متصرف عدوانی بایستی متصرف بر مال استیلا و تصرف مادی و مشهود و عینی داشته باشد

۱-۲-۳. عدوانی بودن تصرف لاحق

از دیگر موارد مهم در حقوق تصرف، خروج ملک از تصرف متصرف سابق به نحو عدوان می باشد، تفاسیر متعددی از لفظ عدوان مطرح گردیده است، عده ای عدوان را قهر و غلبه دانستند و عده ای هم آن را عدم رضایت متصرف سابق نامیدند. به نظر می رسد منظور از رضای متصرف سابق، همان رضایتی است که برای تنفیذ عقود و معاملات کافی است و از آن به رضای معاملی تعبیر می شود، رضایت معاملی گاهی ممکن است با میل قلبی فرد متفاوت باشد چه اینکه متصرف سابق به هر دلیل که با لفظ و کلام رضایتی به دیگری بدهد و پس از آن به اقامه شکایت بپردازد نمی توان گفت که تصرف لاحق به نحو عدوان صورت گرفته چون منشأ آن رضایت متصرف سابق است

گاهی تصرف لاحق ناشی از اذن مشروط می باشد به عنوان مثال کارفرما که مالک ملک است به پیمانکار ماموریت می دهد که در مدتی مشخصی نسبت به اجرای پروژه ساختمانی بپردازد و در صورت اقدام مقتضی در مهلت مقرر، بخشی از ساختمان در مالکیت ایشان درآید، حال با فرض اینکه پیمانکار پروژه را با موفقیت تکمیل کند و در ساختمان مورد توافق تصرف کند، آیا مالک می تواند با شکایت تصرف عدوانی متعرض پیمانکار گردد، در پاسخ باید گفت آنچه از رهگذر بحث تصرف عدوانی می گذرد، تحقق ارکان جرم می باشد بنابراین چنانچه ارکان جرم محقق گردد می توان پیگیری نمود و لیکن در مانحن فیه به نظر می رسد با توجه به سبق تصرف مالک، مشتکی عنه باید ثابت کند که حقوق تصرف وی ناشی از رضایت مالک بوده و یا اینکه اساساً باید با طرح دعوی دیگری، الزام وی به ایفای تعهد قراردادی را مطالبه کند

مورد دیگری که در بحث رضایت اهمیت دارد، تصرف ملک دیگری توسط شهرداری و یا ارگان های دولتی در راستای حفظ منافع و مصالح عامه می باشد که طبق تشریفات خاص قانونی به ارگان های مذکور این اجازه داده شده است که می تواند نسبت به تصرف املاک اقدام کند هر چند مالک چنین اجازه ای را نداده باشد، البته این امر منوط به پرداخت قیمت ملک به نرخ روز است تا جاییکه در صورت عدم پرداخت، امکان مطالبه آن از متصرف دولتی از طریق دادگاه های حقوقی می باشد ولی در هر حال در اینجا اراده عمومی مقدم بر اراده خصوصی مالک می گردد، بنابراین این نتیجه حاصل می گردد که گاهی عدم رضایت مالک می تواند، تصرف را عدوانی و مستحق مجازات نماید و لیکن گاهی توجهی بر اجازه مالک مترتب نمی باشد

گونه های سیاست جنایی .  
 ۱-۲. سیاست جنایی تقنینی

سیاست جنایی تقنینی به منزله نخستین لایه سیاست جنایی عبارت است از تدبیر و چاره‌اندیشی قانون‌گذار در مورد جرم و پاسخ به آن که با توجه به وابستگی سیاست جنایی و نظام سیاسی هر کشور، حالت‌های مختلفی به خود می‌گیرد (لازرژ، ۱۳۷۵، ص ۱۷) به عبارتی اقدامات قوه مقننه در جهت کنترل پدیده مجرمانه داخل در این عنوان است، در واقع قوه مقننه با لحاظ راهبردهای سیاست جنایی مدون در قانون اساسی اقدام به قانون‌گذاری در این حوزه نمود و با این کیفیت جهت‌گیری در سایر اقسام سیاست جنایی را سامان می‌دهد، آنچه در قالب سیاست جنایی تقنینی تعیین می‌گردد الهام گرفته از قانون اساسی بوده که سایر قوا و حتی جامعه مدنی مکلف به اجرای این سیاست می‌گردند.

۲-۲. سیاست جنایی قضایی

اما در یک تقسیم بندی می‌توان سیاست جنایی را در دو مفهوم مضیق و موسع توضیح داد. سیاست جنایی قضایی در معنای مضیق آن به معنای نحوه استنباط و برداشت مراجع قضایی از قوانین و مقررات و چگونگی اعمال آنها در تصمیمات قضایی است با این توضیح که بعد از اینکه قوه مقننه، سیاست جنایی را در قالب ضوابط و مقررات ابلاغ نمود این قوانین و پیام‌های قانونی در مرجع قضایی مورد تحلیل قرار می‌گیرد و آنچه مورد اهمیت است چگونگی اعمال این قوانین و مقررات در آرای قضایی می‌باشد. به عبارت دیگر سیاست جنایی قضایی نحوه استنباط دستگاه قضایی از سیاست جنایی تقنینی و نحوه مواجهه قضات با قانون و سیاست‌های قوه مقننه می‌باشد (قیاسی، ۱۳۸۵: ص ۲۹)، بدیهی است که برداشت قضات از مسائل مختلف از جمله فهم قانون، تطبیق مصادیق با مفاهیم و اجرای احکام متفاوت بوده که همین موضوع مولد رویه های قضایی متعدد و بعضاً ناهمسو در نظام حقوقی کشور بوده که منجر به صدور آراء و تصمیمات متنوع گردیده است. در این راستا عوامل متعددی از جمله میزان مطالعات قاضی، تفسیر پذیری قوانین و کیفیت ابلاغ اسناد بالادستی مانند بخشنامه ها و دستور العمل ها نقش دارند اما سیاست جنایی قضایی در مفهوم موسع محدود به تصمیمات و رویه های قضایی نمی‌گردد، بلکه در چارچوبی وسیع، سیاست های کلان دستگاه قضایی را تعریف می‌کند. آنگونه که از اصل ۱۵۸ قانون اساسی مستفاد می‌گردد اتخاذ تصمیمات کلان و راهبردهای اساسی از وظایف ریاست محترم قوه قضائیه می‌باشد که در قالب لوایح قضایی، بخشنامه و دستور العمل، فرآیند تصمیم سازی را در چرخه قضایی کشور سامان می‌بخشد. از جمله این موارد تدوین سند راهبردی قوه قضائیه می‌باشد که در بخش های مختلف با چپش راهبردها و برنامه ها، سیاست های کلان قضایی را برای حوزه های مختلف دستگاه قضا لحاظ نموده و با ابلاغ آن به دادگستری ها، در جهت اجرایی نمودن آن گامهایی برداشته شده است.

برای توضیح بیشتر قابل ذکر است که قضات در صحنه دادرسی با مصادیقی مواجه می‌شوند که مستلزم اتخاذ سیاست های مستقل می‌باشد که مجموعه این ملاحظات، سیاست جنایی قضایی را تشکیل می‌دهد کلیه ارکان و دستگاه‌های قوه قضائیه در تشکیل این سیاست جنایی نقش دارند به گونه‌ای که تصمیم هر یک سازنده بخشی از این سیاست می‌باشد، به عنوان مثال دیوان عالی کشور با صدور رأی وحدت رویه و آرای اصراری، معاونت حقوقی قوه قضائیه با صدور نظریات مشورتی و حوزه ریاست قوه قضائیه با صدور بخشنامه‌های متعدد دارای نقش مستقیم و غیرمستقیم با سیاست جنایی قضایی می‌باشند. دریافت صحیح پیام قانون‌گذار توسط قضات که مبتنی بر درک واقعیات محسوس در جامعه بود نقش مهمی در جهت‌دهی افکار عمومی و اعتماد مردم به نهادهای قضایی و انتظامی خواهد داشت و بروز هرگونه ضعف و ناهماهنگی در اعمال سیاست‌های مذکور توسط قوه قضائیه نتایج منفی خود را بر کنترل پدیده مجرمانه و امنیت اجتماعی نشان خواهد داد (علی زاده، ۱۳۸۳: ص ۵۳)

رابطه سیاست جنایی قضایی با رویه قضایی .

رویه قضایی، به عنوان زیر مجموعه و از اجزای سیاست جنایی قضایی به شمار می آید با این توضیح که رویه قضایی یک تصمیم کلی قضایی است که به وسیله قضات دائماً تکرار شده و این تکرار در اتخاذ تصمیم، نوعی نیروی الزام آور ایجاد نموده است . به بیان دیگر رویه قضایی صدور مکرر تصمیمات قضایی در موضوعات مشابه می باشد که نوعی الزام عملی برای قضات در صحنه دادرسی ایجاد می کند، بنابراین با یک تصمیم کلی قضایی ایجاد نمی گردد. رویه قضایی علاوه بر مبنای عقلی دارای مبانی قانونی نیز می باشد، چه اینکه در اصل ۱۶۱ قانون اساسی، ایجاد رویه قضایی به عنوان یکی از وظایف دیوان عالی کشور شمرده شده است و در بسیاری از قوانین بر رویه قضایی تأکید شده است از جمله در مواد ۴۳ و ۴۴ قانون امور حسبی و هم چنین تبصره ۲ ماده ۲۵ قانون ثبت اسناد و املاک ۱۳۵۱ و با این وصف، مبنای قانونی رویه قضایی مورد تصریح قرار گرفته است. وحدت رویه ای یا رویه قضایی محتوایی است که قضات را تا حدی به اقتناع وجدانی رسانده تا به تفسیر قانون پرداخته و تحلیلی واحد از مقررات قانونی ارائه نمایند، تحلیلی که ابهام و اجمال قانون را مرتفع می کند و در نهایت در جایگاه رای وحدت رویه از مراجع قانونی، نیروی الزام آور خواهد یافت. بنابراین با اندکی تأمل در می یابیم که مسیر نیل به سیاست جنایی قضایی برتر، تدوین رویه های قضایی صحیح می باشد

## ۲-۳. سیاست جنایی اجرایی

مجموعه باز خوردهای قوه مجریه نسبت به پدیده مجرمانه که واجد ماهیت اجرایی بوده، سیاست جنایی اجرایی را تشکیل می دهد، عده ای بر این نظر هستند که سیاست جنایی اجرایی اقداماتی را که در مقام اجرای قانون در خصوص قوانین کیفری توسط دادگستری انجام می شود را شامل می گردد و حال اینکه به نظر می رسد اقداماتی که ذیل دستگاه قضایی و در مقام اجرای احکام قضایی صورت می پذیرد در زمره سیاست جنایی قضایی طبقه بندی می گردند، زیرا دارای ارتباط مستقیم با مقوله قضا بوده و در ساختار دادگستری می گنجد، اقداماتی از قبیل کشف و تعقیب، تحقیق، رسیدگی و اجرای احکام از این نمونه می باشند. عمدتاً اقداماتی که در راستای سیاست جنایی اجرایی توسط ارگان های مختلف انجام می شود، جنبه پیشگیرانه داشته و به نوعی اقدام غیر کیفری تلقی می گردد

مدنی، سید جلال الدین، رویه قضایی، انتشارات پایدار، ۱۳۸۷، ص ۳ نجفی ابرند آبادی، علی حسین، سیاست جنایی: از مدل ها تا جنبش ها، دیپاچه برای چاپ دوم کتاب نظام های بزرگ سیاست جنایی نوشته دلماس مارتی-، می ری، ص ۲۶۳

سیاست جنایی مشارکتی.

نقش جامعه مدنی را در اجرای سیاست های تقنینی و قضایی آرا، سیاست جنایی مشارکتی معنا می کنند. این نوع از سیاست جنایی یکی از گرایش های مهم محسوب می گردد که در دوره معاصر ایجاد شده و معلول بحران های ناشی از عدم کارآمدی دستگاه عدالت کیفری در غرب بوده است (رستمی، ۱۳۸۶: ص ۱۴۰). در واقع جامعه مدنی می تواند در تشکیل سیاست جنایی تقنینی و قضایی و اجرایی منشأ اثر باشد. به عنوان مثال سازمان های مردم نهاد در حوزه حمایت از محیط زیست امکان اظهار نظر و ارائه طرح و برنامه های قانونی را دارد و حتی می تواند به عنوان ذی نفع در موارد روز هنجار های مرتبط با حوزه محیط زیست اعلام جرم نماید و با عنوان عضوی مؤثر در صحنه دادرسی حاضر گردد، بنابراین این نوع از سیاست جنایی همان شرکت دادن مردم (در مقابله با پدیده مجرمانه است). (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۱، ۲۶۵)

۳- کاربردسازی پیشگیری غیرکیفری در رویارویی با جرم تصرف عدوانی  
 ۱-۳. استفاده از رهیافت های پیشگیری غیرکیفری اجتماعی در جرم تصرف عدوانی  
 پیشگیری اجتماعی که بیشتر با تأمین حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم در سطح جامعه محقق می شود. به طوریکه از طریق شناخت علل ارتکاب جرم اعم از فردی (پیشگیری رشد مدار) و اجتماعی (پیشگیری جامعه مدار) و بر طرف کردن آنها با انجام اصلاحات فردی و اجتماعی، مثل درمان ناهنجاری ها و بیماری های جسمی و روانی و تقویت نهادهای اجتماعی مثل خانواده، مدرسه و توسعه و تعالی فرصت های اقتصادی تحصیلی، تفریحی می توان تمایلات مجرمانه در افراد را کنترل و جلوگیری نمود. در واقع پیشگیری اجتماعی مجموعه اقدامات و تدابیر پیشگیرانه ای است که در پی حذف یا خنثی کردن عوامل اثرگذار بر تکوین جرم می باشند. با توجه به اینکه این پیشگیری در ارتباط با کل جامعه بوده و مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در بر می گیرد، لذا جامعه باید در مرحله اول خود به رفع کمبودها و نیازها و ضعف باورهای موجود اقدام نماید، سپس از عموم افراد انتظار رفتار مناسب و هماهنگ با ضوابط را داشته باشد. اگر محیط اجتماعی سالم و متعادل باشد، افراد آن نیز به طور عمده متأثر از این شرایط، نظم پذیر بوده و بزهکاری امری استثنائی یا بسیار کم اهمیت خواهد بود

۲-۳. استفاده از رهیافت های پیشگیری غیرکیفری وضعی در جرم تصرف عدوانی  
 از دیگر راه های پیشگیری غیر کیفری، پیشگیری وضعی است که باید با رعایت حقوق و آزادی های مدنی و سیاسی مردم به اجرا گذاشته شود تا جنبه عادلانه و منصفانه به خود گیرد. در این نوع از پیشگیری، با توجه به شرایط بزهکار، نوع جرائم، اهداف و موضوعات جرم و خصوصیات بزه دیده، اقداماتی را به اجرا می گذارد که فرآیند آنها از بین رفتن و یا تضعیف موقعیت ها و فرصت های ارتکاب جرم خواهد شد. کاهش فرصت ها و موقعیت های ارتکاب جرم با توسعه امنیت فیزیکی یا طراحی ساختمان ها و محله ها که در نهایت موجب خطرناک و پرهزینه تر شدن اعمال مجرمانه می شود همراه است. این نوع از پیشگیری با توجه به شرایط بزهکار، نوع جرائم، اهداف و موضوعات جرم و خصوصیات بزه دیده، اقداماتی را به اجرا می گذارد که فرآیند آنها از بین رفتن و تضعیف موقعیت ها و فرصت های ارتکاب جرم خواهد شد. با توجه به جنبه حسابگری و پیش بینی در ارتکاب جرائم به طور کلی و بویژه در جرائم مرتبط با اموال، محاسبه منفعت و خطر ارتکاب بزه توسط بزهکار می تواند با تغییر در اوضاع و احوال مرتبط با بزهکار و بزه دیده و گستره جغرافیایی مورد هدف بزهکار، ارتکاب بزه را سخت و سخت تر نماید. در چنین شرایطی معادلات و محاسبات مجرم به هم ریخته و امکان ارتکاب جرم در محل مورد هدف برای وی مشکل، خطرناک و پرهزینه خواهد نمود. این اقدامات در نتیجه موجب انصراف بسیاری از افراد از روی آوردن به جرم و انقطاع مراحل ارتکاب جرم خواهد شد.

تقویت و توسعه پیشگیری کیفری در رویارویی با جرم تصرف عدوانی .

۴-۱. اتخاذ رویه‌سی واحد قضایی در رسیدگی به جرم تصرف عدوانی وجود قوانین متفرقه و پراکنده در حوزه جرم تصرف عدوانی در حوزه اراضی عمومی و دولتی منجر به ایجاد رویه‌های متفاوت در عرصه قضا گردیده است که زمینه را برای سوذجویی اشخاص جهت ارتکاب این جرایم فراهم می‌سازد چه اینکه این افراد به امید رویارویی با تفسیر مورد نظر خود اقدام به ارتکاب جرایم سه‌گانه نمودند و با طرح موضوع اختلافی و ارائه آرای قضایی همسو با اقدام خود در جهت فرار از ضمانت اجرای ناشی از این جرم بر می‌آید و حال آنکه سیاست جنایی قضایی واحد به عنوان مهم‌ترین رکن در مواجهه و پاسخ‌دهی به پدیده‌های مجرمانه بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

۴-۲. به کارگیری دادرسان متخصص و با تجربه در شعب قضایی

ماهیت حقوقی جرم تصرف عدوانی خصوصاً در املاک خصوصی و دولتی، وجود قوانین و مقررات مختلف، نقش مستقیم عرف در تطبیق مصادیق با مفاهیم این جرایم ایجاب می‌کند تا متولیان عدالت کیفری نسبت به به‌کارگیری قضات با سطح علمی مناسب و متبحر در امور املاک در صحنه دادرسی این جرم حاضر شوند، تا با تسریع در رسیدگی شاهد آراء قضایی متقن در این حوزه باشیم، اگرچه در شرایط فعلی شاهد رسیدگی نیمه تخصصی قضات در برخی حوزه‌های قضایی می‌باشیم ولی در مناطق و حوزه‌های قضایی که املاک متعددی در آن وجود دارند لازم است شعب تخصصی رسیدگی به این جرم تأسیس شود. در سال ۱۳۷۹ نیز رئیس وقت قوه قضاییه با صدور بخشنامه‌ای بر اختصاص شعب تخصصی برای رسیدگی به پرونده‌های مربوط به تخریب مراعات و جنگل‌ها و محیط زیست و تصرف اراضی دولتی تأکید نمود (بخشنامه شماره ۵۸۷۴/۷۹/۱ مورخ ۳/۵/۱۳۷۹ رئیس قوه قضائیه دادستانی کل کشور در سال ۱۳۹۴ با ابلاغ بخشنامه به دادستان‌های سراسر کشور بر ضرورت تخصیص مجتمع یا شعب ویژه‌ای از دادرها برای جرایم تصرف غیرمجاز اراضی جنگلی و مراعات و تخریب محیط زیست تأکید نمود) (بخشنامه شماره ۷۵/۱۰۶/۸۲/۱ مورخ ۳۰/۶/۸۲)

اما نکته‌ای که وجود دارد با توجه به اینکه در برخی حوزه‌های قضایی کیفیت و تعداد پرونده‌های مرتبط با جرایم سه‌گانه در حدی نمی‌باشد که نیازمند اختصاص شعبه خاص جهت رسیدگی باشد لکن با توجه به حساسیت موضوع، لازم است قضاتی در هر حوزه قضایی انتخاب شده و تحت آموزش‌های لازم در حوزه رسیدگی به این جرایم قرار گیرند و نسبت به امور اراضی اشراف کامل داشته باشند در این راستا می‌توان دوره‌های ضمن خدمت ویژه برای قضات مذکور در نظر گرفت تا به صورت دوره‌ای با شرکت در این جلسات ضمن نیل به رویه واحد در راستای سیاست جنایی قضایی واحد گام‌های لازم برداشته شود، در خلال این بحث ضرورت ارائه آموزش‌های لازم به ضابطان عام و خاص در این حوزه بسیار احساس می‌گردد زیرا وظیفه حراست از اراضی عمومی، کشف و تعقیب جرایم ارتكابی و اجرای احکام کیفری تا حد زیادی بر عهده ضابطان مذکور می‌باشد و ارتباط تنگاتنگ جرایم مذکور با محیط اجتماعی ایجاب می‌نماید که جهت جلوگیری از آثار سوء ناشی از عدم اقدام صحیح تعلیمات لازم توسط مجریان امر فرا گرفته شده باشد چه اینکه دادستان به موجب تبصره ۱ ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری وظیفه دارد. مهارت‌های لازم را در جهت ارتقا سطح علمی ضابطان دادگستری بر گزار نماید.



یکی از آسیب‌های مهم در دستگاه قضایی که در مواجهه با عمده جرایم همواره وجود دارد، ضعف در ساختارهای دادرسی و منابع لجستیک می‌باشد و اهمیت این موضوع در جرم تصرف عدوانی و جرایم مشابه که ماهیتی تخصصی دارد بیشتر احساس می‌شود، عدم وجود شعب تخصصی جهت رسیدگی به پرونده‌های مذکور کم‌توجهی سیستم قضایی را نسبت به ماهیت تخصصی این جرایم نشان می‌دهد بدیهی است دادرسی غیرتخصصی در این جرم توسط قضات بدون در نظر گرفتن نگاه‌های ویژه و حساسیت‌های موضوع نمی‌تواند رسیدگی بی‌نقصی را به دنبال داشته باشد در این راستا باید راهبرد تخصصی نمودن شعب قضایی در رسیدگی به جرایم سه‌گانه اهمیت موضوع تشریح می‌گردد.

۳-۴. ایجاد نهاد دستیار قضایی برای افزایش سرع تطبیق ماده ۵۴ لایحه جامع اداری و استخدامی قوه قضاییه، دستیار قضایی «به منظور تسریع در رسیدگی های قضایی و آماده نمودن پرونده برای صدور آراء و اجرای مناسب احکام، در تشکیلات قضایی هر استان از بین مدیران دفاتر واجد شرایط که دارای مدرک تحصیلی حداقل لیسانس در رشته حقوق یا فقه و مبانی حقوق اسلامی و یا معادل حوزوی آن و نیز دارای حداقل ۱۰ سال سابقه خدمت باشند و تایید آنها توسط کمیته مربوطه، به شرط قبول شدن در آزمون خاصی که به این منظور برگزار می گردد به عنوان «دستیار قضایی انتخاب می شوند

با بررسی مفاد ماده فوق ملاحظه می گردد که تعریف مشخصی برای دستیار قضایی ارائه نشده است و لیکن مستفاد از مقرره ی فوق و با الهام از کیفیت تاسیس نهاد دستیار قضایی در نظام حقوقی کشورهای دیگر می توان گفت، دستیار قضایی فرد صاحب اعتباری است که جایگاه خویش را از دستگاه قضایی اقتباس نموده و مامور جمع آوری داده ها و اطلاعات موثر در پرونده و تطبیق ادعای شاکی با خواهان با مفاد قانون و منطبق با اوضاع و احوال مسلم قضیه می باشد و بر مبنای سیستم امتیاز دهی و اعتبارسنجی ارتقا می یابد. به عبارت دیگر دستیار قضایی شخصی است که مستقل از دستگاه قضایی و لیکن مرتبط با آن فعالیت نماید

آنچه در اعتبار بخشی به دستیار قضایی، معیار تلقی می گردد، تلاش جهت احقاق حق و اعلام نظر بر مبنای مقررات قانونی می باشد لکن رضایت فردی که ادعای خلاف قانون دارد پذیرفته نیست، چه اینکه در وکالت، تلاش جهت کسب رضایت موکل بوده حال اینکه ممکن است ذبحق نباشد.

طبق ذیل ماده ۵۴ لایحه جامع اداری و استخدامی قوه قضاییه، جهت پذیرش دستیار قضایی، آزمون سراسری بین متقاضیان واجد صلاحیت برگزار می گردد و لیکن در ماده اخیر الذکر، متقاضیان صرفاً کارمندان اداری ده سال سابقه با مدرک کارشناسی حقوق و یا معادل حوزوی آن معرفی شده اند. حال اینکه با مطالعه تطبیقی در نهاد دستیار قضایی در کشورهای دیگر به ویژه فرانسه، دامنه متقاضیان این امر را در گستره جامعه حقوقی آن کشور شامل دانش آموختگان رشته حقوق، اساتید، کارآموزان وکالت و یا قضاوت تعریف کرده است و از این حیث محدودیتی قائل نشده است. لذا در این طرح نیز با اقتباس از حقوق فرانسه، کلیه متقاضیان با شرط تحصیلی کارشناسی حقوق و یا معادل و عدم اشتغال در نهادهای دیگر امکان شرکت در آزمون دستیاری قضایی را دارند و این آزمون نیز توسط مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و خانواده قوه قضائیه برگزار می گردد.

به طور کلی به هر فردی که با شرکت در آزمون مربوطه نمره شاخص را کسب نماید، وارد مراحل گزینش دستیار قضایی می شود. طبق تبصره ۳ ماده ۵۴ لایحه جامع اداری و استخدامی قوه قضاییه، حقوق و مزایای دستیار قضایی مطابق گروه شغلی پایه یک قضایی تعیین می گردد. و این مزایا طبق تبصره ۴ قانون اخیر الذکر تا پایه ده قضایی قابل ارتقا می باشد و همین امر به نوعی دلالت بر نقش مشابه دستیار قضایی با قضات می نماید لذا می بایست با توجه به نقش حساس آن، فرآیند گزینش و تایید صلاحیت آنان نیز توسط اداره گزینش قوه قضاییه انجام شود و شاخص های تایید صلاحیت آنان با توجه به وظایف مندرج در تبصره ۲ ماده اخیر الذکر و در سطحی پایین تر از گزینش قضات انجام شود.

در ماده ۵۴ لایحه جامع اداری و استخدامی قوه قضاییه، تصریح شده که پس از قبولی داوطلب در آزمون ورودی دستیاری قضایی، فرد پذیرش شده با تایید کمیته ای که شامل رئیس دادگستری استان یا نماینده وی، نماینده حفاظت اطلاعات و نماینده گزینش و معاون منابع انسانی می باشد به عنوان دستیار قضایی انتخاب می شوند و البته مجدداً در تبصره ۵ ماده اخیر الذکر، مقررات مربوطه به چگونگی بکارگیری، تعیین محل خدمت، ارتقا و ترفیع دستیار قضایی را منوط به آیین نامه ای نموده که با پیشنهاد شورای عالی و تایید رئیس قوه قضائیه می رسد حال اینکه برای تدوین این آیین نامه مهلتی در نظر گرفته نشده است.

۴-۵. سیستمی نمودن امور قضایی

الف) اتخاذ شیوه نوین در ثبت جرم تصرف عدوانی با لحاظ وجوه تمایز آنها

امروز پاسخگویی به هر پدیده مجرمانه مادام که مبتنی بر آمار و داده های صحیح پیرامون آن پدیده مجرمانه نباشد نمی تواند راهکار صحیحی جهت کنترل آن اتخاذ نموده زیرا هر اقدام کنترل کننده ای مستلزم مطالعه و علت شناسی دقیق پیرامون آن می باشد که بدون داشتن آمار صحیح این امر ممکن نمی باشد.

مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه از طریق سامانه مدیریت پرونده، عناوین مجرمانه را بارگذاری نموده و کلیه مراجع قضایی موظف به ثبت جرایم با تفکیک مذکور می باشند.

شیوه های متغیر ارتکاب جرم در این جرایم و ضرورت مطالعه دقیق با توجه به عناوین مجرمانه متعدد ایجاب می نماید که تفکیک منسجم تری ارائه شود و از آنجا که ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی تعزیرات عناوین مختلفی را جرم انگاری نموده که در املاک خصوصی و دولتی دارای تفاوت می باشد و از حیث تکرار نیز مقررات جداگانه ای دارد لذا لازم است طبقه بندی صحیحی ارائه شود، عناوینی شامل تصرف عدوانی اراضی خصوصی، تصرف عدوانی اراضی دولتی، مزاحمت در اراضی دولتی و خصوصی، ممانعت در اراضی دولتی و خصوصی

و ... افزون بر تفکیک در عناوین مجرمانه، جهت نیل به تحلیل صحیح و درست در جرایم مذکور می بایست اطلاعات دیگری نیز بر مبنای شاخص های متعدد جمع آوری گردد که در این راستا پیشنهاد می گردد با توجه به محدودیت هایی که از حیث زمانی و لجستیک برای سیستم قضایی وجود دارد با طراحی نرم افزاری آنی و در اختیار قرار دادن آن به مراجع انتظامی با لحاظ فاکتورها و شاخص های مختلف که تمامی ابعاد ارتکاب جرایم سه گانه را در بر بگیرد سعی در اخذ گزارش های آنی از ارتکاب جرائم سه گانه در اراضی مختلف صورت پذیرد و بدیهی است متعاقب اخذ این داده ها می توان با استفاده از بانک اطلاعاتی که به دست آمده راهکارهای لازم از جمله شناسایی متصرفین حرفه ای و کنترل نسبت به باندهای ایجاد شده احتمالی در آینده، برنامه ریزی های لازم صورت پذیرد در خلال این بحث چنان که سابق نیز گفته شد تعیین شعب ویژه قضایی برای رسیدگی به جرایم سه گانه از جهت دیگری نیز حائز اهمیت می باشد به این شرح که با توجه به ارتباط مستقیم این جرایم با اراضی عمومی و خصوصی در سطح هر حوزه قضایی لازم است قاضی مربوطه اطلاعات دقیقی در این راستا کسب نموده و حتی المقدور به صورت حضوری و با حضور کارشناسان ثبتی و محلی موقعیت جغرافیایی آنها آن را از نزدیک بررسی نمایند تا به محض وقوع جرم مقاربت ذهنی لازم برای قاضی ایجاد گردد.

#### ۴-۶. ضابطه مند کردن فرآیند اعتراض با سیستم امتیازدهی

از منظر مطالعات تطبیقی در بخشی از آراء دیوان اروپایی حقوق بشر به این موضوع پرداخته شده هریک از طرفین ممکن است اقداماتی انجام دهد که موجبات طولانی شدن رسیدگی را به همراه داشته باشد لذا در این مورد باید بین حقی که قانون برای هریک از طرفین جهت اعتراض در نظر گرفته که باعث افزایش زمان رسیدگی می شود و زمانی که معترض با توسل به اقدامات غیر قانونی یا با استفاده از حقوق قانونی به عمد قصد طولانی کردن دادرسی در جهت سوء استفاده از آن می نماید، تمایز قائل بود

به عنوان مثال فردی پس از صدور حکم بدوی در محکومیت به پرداخت خسارت به میزان ده میلیارد تومان، علی رغم آنکه حقی برای وی وجود ندارد، صرفاً به جهت امکان قانونی اعتراض، اقدام به تجدید نظر خواهی نموده در نتیجه اجرای حکم را با تاخیر مواجه نموده و پرونده را در مسیر رسیدگی در مراجع تجدید نظر قرار داده که رسیدگی به آن مستلزم صرف زمان می باشد و در نهایت نیز حکم به تایید رای بدوی صادر می شود و علاوه بر ایجاد اطاله دادرسی و ایجاد هزینه برای دستگاه قضایی، می تواند با ده میلیارد وجهی که محکوم گردیده است، کار اقتصادی انجام دهد و سود ناشی از فعالیت اقتصادی نه تنها فراتر از هزینه های دادرسی بوده بلکه این امکان را دارد تا مقدمات لازم برای هزینه وجوه و بهره گیری از دعاوی مانند اعسار که موجبات اطاله دادرسی را فراهم کرده و محکوم له را در نیل به حق خود با اخلاص مواجه می کند بهره برد. بنابراین جهت جلوگیری از سوء استفاده احتمالی هریک از طرفین می بایست، فرآیند اعتراض را ضابطه مند کرد. لذا اولاً می بایست عواملی که موجب اعتراض می گردد را تفکیک گردد و با رفع علل ایجاد اعتراض به دنبال کنترل آن بود ثانیاً ساز و کار مناسبی جهت اعتراض طرح ریزی کرد به گونه ای شرط پذیرش اعتراض، تایید مرجعی حقوق خوانده باشد و از این طریق می توان از پذیرش اعتراضات واهی جلوگیری کرد.

## نتیجه گیری

جرم به عنوان یک پدیده مجرمانه پیچیده در جامعه امروز نیازمند پاسخگویی مناسب مبتنی با رویکردهای مدیریتی می باشد که به صورت هدفمند و کارآمد ساماندهی لازم را در این خصوص ایجاد نماید در واقع سیاست جنایی با آمیزه‌ای از علوم جنایی و علوم سیاست‌گذاری روش ایمن و مناسبی در این راستا به شمار می‌آید.

جرم تصرف عدوانی در عرصه‌های مختلف املاک شخصی و دولتی از جمله مهم‌ترین پدیده‌های مجرمانه جامعه امروز تلقی شده که به صورت فزاینده‌ای در حال ارتکاب می‌باشد و نیازمند اتخاذ سیاست‌های هدفمند و فراگیر در حوزه‌های مختلف تقنین، اجرا و علی‌الخصوص قضایی می‌باشد که لازم است به صورت فراگیر و با بینشی عمیق ابعاد مختلف آن بررسی و متناسب با ظرفیت‌های جامعه پاسخ دهی مناسب انجام شود.

برآیند پاسخ‌دهی در قبال این جرم به مثابه دیگر پدیده‌های مجرمانه مستلزم بهره‌گیری از سیاست جنایی می‌باشد و در این مقاله با بررسی مفهومی و ماهیتی جرم تصرف عدوانی و گونه‌های مختلف سیاست جنایی، در جهت اتخاذ سیاست جنایی قضایی کارآمد تحلیل لازم صورت گرفت و اگرچه قالب سیاست جنایی مورد بحث بر اساس مراجع پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه یعنی تقنینی و قضایی و اجرایی مورد بحث واقع شد ولی سعی بر آن بوده با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مختلف به سیاست جنایی قضایی صحیح و بایسته مبتنی بر اصول و ارزش‌های حاکم بر سیاست‌گذاری جامعه پرداخت شود و در نهایت با علت‌شناسی وقوع این جرایم و آسیب‌شناسی پاسخ‌های کنونی سیاست جنایی راهبردهای مؤثر ارائه شود.

آنچه به عنوان سیاست جنایی قضایی برتر، مورد نیاز جامعه ما می باشد، در گام نخست رفع ابهام از ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی تعزیرات بوده که در قالب رای وحدت رویه قانونی و یا وحدت رویه قضایی امکان پذیر است به عنوان مثال اینکه ملاک در این جرم تصرف است یا مالکیت باید به صورت شفاف تعیین تکلیف گردد، نکته دیگر این است که رسیدگی به این جرم باید اشراف اطلاعاتی دقیق ایجاد کرد و سیستمی مبتنی بر داده‌های آنی را راه اندازی کرد تا امکان ارزیابی لحظه‌ای موقعیت اراضی فراهم شود و از شکل‌گیری هرگونه باند جهت تصرفات غیر مجاز جلوگیری کرد و در پایان نیز به جهت جلوگیری از اطاله دادرسی در رسیدگی به این جرایم نه تنها باید آموزش‌های تخصصی برای قضات در نظر گرفته شود و شعب تخصصی ایجاد شود بلکه می‌بایست نسبت به تاسیس نهاد دستگیری قضایی تعجیل کرد تا یک نیروی کمکی فعال در کنار قاضی به بررسی پرونده‌ها بپردازد و با آماده‌سازی اولیه پرونده و برخی امور جانبی سعی در سرعت بخشی به فرآیند دادرسی شود.

منابع

- تحریر الوسیلة امام خمینی در خمینی، روح الله (۱۳۹۰ ق)، تحریر الوسیله، ۲ جلدی، نجف اشرف: مطبعة الآداب
- حیاتی، علی عباس و حامد هادی (۱۳۹۱)، «مبانی دعاوی رفع تصرف عدوانی در حقوق ایران (مطالعه تطبیقی در فقه امامیه و حقوق فرانسه)»، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، (۹)، ۲۸.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۰)، حقوق جزای اختصاصی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم
- طیرانیان، غلامرضا (۱۳۷۶)، دعاوی تصرف، تهران: گنج دانش
- شریف، علی اصغر (۱۳۳۹) مظاهر تصرف عدوانی، جلد اول، چاپ دوم
- حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۳)، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت
- لازرژی، کریستین (۱۳۸۲)، درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: میزان
- لواسور، ژرژ (۱۳۷۲-۱۳۷۱)، «سیاست جنایی»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، پاییز و زمستان ۱۳۷۱ و بهار و تابستان ۱۳۷۲ شماره ۱۱ و ۱۲ محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۹۵)، روش تحقیق کیفی مکاتب تفسیری (زمینه و کاربرد)، تهران: انتشارات اطلاعات
- محمدعلی زاده اشکلک، حبیب (۱۳۸۳)، سیاست جنایی قضایی جمهوری اسلامی ایران، رساله دکتری، دانشگاه تهران
- مهر، نسرین (۱۳۸۶)، «کیفر و چگونگی تعیین آن در فرایند کیفری انگلستان»، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۵
- دلماش مارتی (۱۳۸۱)، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران: میزان
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۹)، «درآمدی به جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر» در: مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، تهران: نشر روزنامه رسمی
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۲)، از سیاست کیفری تا سیاست جنایی، تهران: انتشارات میزان
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۸)، «قوة قضائیه در سنجة حکمرانی خوب»، در نقش رئیس قوه قضائیه در فرآیند کیفری، غلامحسین آماده، تهران: نشر دادگستر
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۲)، «درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری؛ فرصت‌ها و چالش‌ها» در: بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری؛ فرصت‌ها و چالش‌ها - مجموعه مقالات، تهران: نشر میزان
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۵)، دایرةالمعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی - کتاب دوم)، چاپ دوم، تهران: میزان